



پژوهشی در تاریخ زندگی شهید ثانی (فده)

قسمت دوم

رضا مختاری

آمده است:

- ۱- درمنثور، ج ۱۸۸/۲.
 - ۲- امل الآمل، ج ۸۱/۱.
 - ۳- ریاض العلماء، ج ۳۶۸/۲، ۳۶۹.
 - ۴- روضات الجنات، ج ۳۷۶/۳.
 - ۵- معجم رجال الحدیث، ج ۴۷۲/۷.
 - ۶- ریخانة الأدب، ج ۲۸۰/۳.
 - ۷- یادنامه علامه امینی، ص ۱۰۰.
 - ۸- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص ۲۶، ۲۱.
 - ۹- مقدمه شرح لعمه، ج ده جلدی، ج ۱۸۱/۱.
- مأخذ همه این منابع با واسطه و یا بی واسطه، سخن ابن عودی است که در

در قسمت اول این مقاله ضمن معرفی
اهم منابع شرح حال شهید ثانی، اشاره شد
که در منابع تاریخ زندگی شهید، اشتباهاتی
روی داده و برخی از آنها جزء اشتباهات
مشهور شده‌اند، در آن قسمت چهار اشتباه
بررسی شد و اینک ادامه بحث:



نخستین مؤلف شیعه در علم درایه

□ ۵ - مشهور است که شهید ثانی
نخستین دانشمند شیعی است که در علم
درایه کتاب نوشته، و پیش از او هیچ یک
از علمای شیعه در این علم کتاب
ننوشته‌اند: «... وهذا العلم لم يسبقه احد
من علمائنا الى التصنيف فيه...»
این سخن - از جمله - در این کتابها



در منشور (ج ۲/۱۸۸) آمده است.

ولی با این همه، این مطلب اشتباه است و پیش از شهیدثانی برخی دیگر از علمای شیعه در این علم کتاب نوشته اند، مانند:

الف: ابن ابی جمهور احسانی که سالها پیش از شهید کتاب *تحفة القاصدين فی معرفة اصطلاح المحدثين*، را نگاشته است، شیخ آقا بزرگ تهرانی (رحمة الله علیه) در این باره در ذریعه (ج ۳/۴۶۱) چنین می نویسد:

• *تحفة القاصدين فی معرفة اصطلاح المحدثين*، تألیف محمد بن علی بن ابراهیم بن ابی جمهور احسانی، مؤلف در آخر کتاب دیگرش بنام *کاشفة الحال* که در سال ۸۸۸ تألیف شده، در بابی که انواع و اقسام حدیث را ذکر می کند می نویسد: کسی که طالب تمام انواع حدیث و امثله آنهاست به کتاب دیگر ما بنام «*تحفة القاصدين فی معرفة اصطلاح المحدثين*» مراجعه کند.

ب: به گفته علامه سید حسن صدر (رحمة الله علیه) چندین قرن پیش از شهید، احمد بن طاووس، استاد علامه حلی، و نیز سید علی بن عبدالحمید - که مجاز از علامه است^۱ - درباره این موضوع کتاب نوشته اند، سخن مرحوم صدر چنین است:

حاکم نیشابوری اولین کسی است که علم *درایة الحدیث* را تدوین کرده است^۲... ویس از او سید جمال الدین احمد بن طاووس متوفای ۶۷۳

اولین مصنف در این علم است... و کسانی که در علم *درایة*، تصنیف دارند فراوانند، از جمله آنها است سید علی بن عبدالحمید نجفی، که شرح اصول *درایة الحدیث* از اوست، وی از علمای اول قرن هشتم و استاد ابن فهد حلی است و از علامه حلی روایت می کند.^۳

... پس از حاکم نیشابوری، گروهی از علمای علم حدیث از شیعه در علم *درایة* کتاب نوشته اند مانند احمد بن طاووس،... ویس از او علامه سید علی بن عبدالحمید، شرح اصول *درایة الحدیث* را نگاشت، شهید ثانی هم در این باره، کتاب *البدایة فی علم الدرایة* را نوشته است.^۴

ج: همچنین حضرت آیه الله مرعشی نجفی در این باره نوشته اند:

اجر علمای شیعه فزون باد که در علم رجال و *درایة* فلم زده اند و چه بسیار در این باره کتاب نوشته اند، مانند ابن ابی جمهور احسانی، صاحب کتاب *المجلی و عوالی*، و شیخ سیاء الدین علی عاملی فرزند شهید اول، و فاضل مقداد صاحب *کنز العرفان و علامه*، سید ابی الرضا فضل الله

۱ - مرحوم صدر در تأسیس الشیعه ص ۲۹۵ فرموده است، که سید علی بن عبدالحمید مجاز از علامه است، ولی چنانکه از مشایخ برسی آید ظاهراً وی مجاز از فخرالمحققین فرزند علامه است نه خود او.

۲ - این سخن صحیح نیست و پیش از حاکم نیشابوری هم برخی از علمای دیگر در علم *درایة*، کتاب نوشته اند، رک: مجله «حوزه» شماره ۵۹/۱۴.

۳ - تأسیس الشیعه، ص ۲۹۴ - ۲۹۵.

۴ - الشیعة و فنون الاسلام، ص ۵۶.



حتی راوندی...^۵

است:

شہید ثانی نزد محقق کرکی - قبل از آنکہ بہ ایران بیاید - تحضیل کردہ است.

این مطلب ہم ناتمام است و شہید ہرگز نزد محقق کرکی درس نخواندہ و حتی اجازہ روائی ہم از محقق ندارد، بلکہ - همان طور کہ ابن عودی ہم تصریح کردہ (در منشور، ج ۲/۱۶۰) - با واسطہ از وی روایت می کنند، از باب نمونہ بہ این موارد توجہ فرمائید:

در اجازہ شہید بہ پدر شیخ بہائی آمدہ است:

وعن الشيخ جمال الدين احمد - وجماعة من الأصحاب الأخيار - عن الشيخ الامام المحقق نادر الزمان ويشيعة الأوان الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي الكركي، قدس الله تعالى روحه.^۶ نیز در همان اجازہ می خوانیم:

... ومنها عن شيخنا الجليل المقتن الفاضل جمال الدين أحمد ... عن الشيخ الامام ملك العلماء والمحققين الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي الكركي المولد الغروي الخاتمة.^۷

محدث نوری با اشاره بہ این نکتہ، در

۵ - شرح بدایہ، چاپ جدید، ج ۱/ ۱۰ - ۱۱.

۶ - بحار، ج ۱۰۸/ ۱۵۱.

۷ - بحار، ج ۱۰۸/ ۱۵۶؛ همچنین رک: ریاض

العلماء، ج ۲/ ۳۶۷؛ مواقع النجوم مرحوم نوری، ص ۱۲۳

مشجرہ اجازات العلماء الامامیہ، ص ۱۱۲؛ اعیان الشیعہ،

ج ۷/ ۱۵۸؛ بحار، ج ۱۰۹/ ۴۹؛ بحار، ج ۱۰۸/ ۱۷۶.

در مقدمہ مصحح چاپ جدید وصول الأخیار (ص ۹) تألیف پدر شیخ بہائی (رحمہما اللہ) نیز آمدہ است:

... اقول: بعد ما سمعت هذه الأقوال فقد ظهر لك انه ليس اول من آلف في علم الدراية هو الشهيد الثاني ... فأول من الف علم الدراية من الشيعة الامامية هو السيد جمال الدين احمد بن طاووس، ثم بعده السيد علي بن عبدالحميد النجفي.

گذشتہ از ایشان، شہید در دو جای کتاب شرح بدایہ، از احمد بن طاووس (ره) نام می برد و مطلبی بہ او نسبت می دہد کہ شاید خالی از اشعار بر مدعای ما نباشد، مثلاً در ص ۴۹ کتاب مذکور می نویسد:

... و ظاهر كلام الأصحاب في قبول مراسيل ابن ابي عمير، هو المعنى الاول، ودون اثباته خرط الفتاد، وقد نازعهم صاحب «البشري» [يعني ابن طاووس] في ذلك، ومنع تلك الدعوى. و در ص ۵۴ می گوید:

... واما تسمية صاحب البشري مثل ذلك تدليسا فهو سهو واصطلاح غير ما يعرفه المحدثون.

و بالأخرہ، بر فرض کہ برخی از موارد یاد شدہ ہم مخدوش باشد - کہ ظاہراً چنین ہم هست - از مجموع آنها اصیل اینکہ شہید، اولین مؤلف شیعی در این فن نیست، ثابت می شود.

□ ۶ - در کتاب بسیار ارزندہ خدمات متقابل اسلام و ایران (ص ۴۹۲)، آمدہ

مستدرک الوسائل (ج ۳ / ۴۱۶) می نویسد:

إن عدم رواية الشهيد عن المحقق الثاني لم يكن لتأخر زمانه بل لعدم ملاقاته.

همچنین در مقابس الأنوار (ص ۱۵) آمده است:

وقد روی [یعنی الشهيد] عن الكركي بواسطة وعن الميسي بها وبدونها.

ظاهراً سبب این اشتباه، تشابه اسمی فاضل میسی (استاد شهید) با محقق کرکی بوده است و اینکه بسیار اتفاق می افتد که از هر دو بزرگوار با عنوان علی بن عبدالعالی یاد می شود.^۸

۷ - در مقدمه چاپ ده جلدی شرح لمعه (ج ۱ / ۱۷۷) و برخی کتابهای دیگر آمده است:

مسالك الافهام شرح منجزی شرایع الاسلام است.

نادرستی این سخن هم نیازی به استدلال ندارد و برای کسانی که حتی اندک آشنایی با مسالك دارند -

كالشمس فی رابعة النهار، وكالنار علی المنار - روشن است که مسالك شرح منجزی شرایع نیست بلکه به گونه حاشیه و قوله قوله می باشد، گرچه مبسوط و هفت جزء بوده و در دو مجلد بزرگ به چاپ رسیده است، نام صحیح این کتاب، همچنانکه خود شهید در آغاز آن و نیز در

برخی از اجازاتش تصریح فرموده: مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، است، نه: مسالك الافهام الی شرح شرایع الاسلام و بر فرض هم که نامش چنین باشد، دلالت بر شرح منجزی بودن آن نمی کند.

۸ - در کتابهای زیادی که مأخذ همه آنها امل الآمل است می خوانیم که: از نسخه اصلی شرح لمعه - یعنی نسخه خط شهید - استفاده می شود که شرح لمعه در مدت شش ماه و شش روز نگارش یافته است، از جمله این کتابهاست:

۱ - معجم رجال الحديث، ج ۷ / ۳۷۶.

۲ - تکملة امل الآمل، ص ۲۱۴.

۳ - ریحانة الأدب، ج ۳ / ۲۸۲.

۴ - اعیان الشیعة، ج ۷ / ۱۵۵.

۵ - روضات الجنات، ج ۳ / ۳۷۷.

۶ - مستدرک الوسائل، ج ۳ / ۴۲۷.

۷ - آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص ۳۳.

۸ - مقدمه چاپ ده جلدی شرح لمعه، ج ۱ / ۱۹۳.

۹ - تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۷۳. در باره اینک تألیف شرح لمعه چقدر طول کشیده، مطالب دیگری نیز در کتابها

۸ - برای آگاهی بیشتر در زمینه اسم و نسب و لقب این دو بزرگوار رک: مجله نور علم شماره ۱ / ۷۰ - ۷۱.



آمده، و در همه هم ادعا شده است که «یظهر من نسخة الاصل» یا «یظهر مما نُقِلَ عن خطه» که تألیف آن، فلان مدت به طول انجامیده است:

الف: در ریاض العلماء (ج ۲ / ۳۶۹ — ۳۷۰، پانوش) آمده است:

به نقل از خط شهید (ره) دیدم که وی در اول ربیع الاول سال ۹۵۶ نگارش شرح لمعه را آغاز کرده است، و در آخر کتاب هم تصریح کرده که شب شنبه ۲۱ ماه جمادی الاولی سال ۹۵۷ از آن فراغت حاصل کرده است، بنابراین مدت تألیف آن حدود پانزده ماه می شود، و این امر غریبی است.^۱

ب: در ذریعه (ج ۱۱ / ۲۹۱) می خوانیم:

در نسخه ای از کتابخانه مشکوة — به نقل از خط مؤلف در پشت نسخه — آمده است که شروع تألیف مجلد اول در آغاز ربیع الاول ۹۵۶ بوده است، بنابراین جلد اول در سه ماه و چند روز تألیف شده است.

ج: در در منشور (ج ۲ / ۱۸۴) آمده است:

در آغاز مجلد اول، شروع تصنیف را نوشته و با توجه به تاریخ پایان نگارش آن، مدت تألیفش سه ماه و چند روز خواهد

بود.

سخن اهل الآمل و دیگر کتابهایی که در بالا به آنها اشاره شد این است:

ویظهر من نسخة الاصل أنه ألفه فی ستة اشهر وستة ایام، لأنه كتب علی ظهر النسخة تاریخ ابتداء التألیف.

ملاحظه می فرمائید که خلاصه آنچه در این باره در منابع آمده، این است:

هر دو جلد در شش ماه و شش روز در آمل الآمل،

هر دو جلد در حدود پانزده ماه در ریاض العلماء،

تنها جلد اول در سه ماه و شش روز در ذریعه، و در منشور (بنابر احتمال اقوی در معنی عبارت آن).

ولی قرائن و شواهد نشان می دهد که قول صاحب ریاض یعنی تألیف در حدود

۱۵ ماه درست است، زیرا تألیف جلد اول شرح لمعه در ششم ماه جمادی الآخرة،

سال ۹۵۶، و جلد دوم آن در ماه جمادی الاولی سال ۹۵۷ پایان یافته —

چنانکه در آخر نسخ خطی و چاپی هر دو جلد قید شده است — بنابراین مسلماً این

کتاب، بیش از شش ماه و شش روز در دست تألیف بوده است، و با توجه به اینکه

شروع تألیف آن در اول ربیع الاول ۹۵۶ و ختم آن در جمادی الاولی سال ۹۵۷ بوده

۱ — نیز رک: روضات الجنات ج ۳ / ۳۷۷.

است، معلوم می‌شود که از روز شروع تألیف تا ختم آن، حدود پانزده ماه می‌شود، و منافاتی هم با سخن ذریعه و در منشور ندارد، زیرا این دو، گفته‌اند که تنها نگارش جلد اول سه ماه و شش روز به طول انجامیده، و راجع به هر دو جلد سخنی نگفته‌اند، و نیز اینکه شروع نگارش شرح لمعه، اول ربیع الاول ۹۵۶، بوده مطلبی است که منابع، آن را تأیید می‌کنند. و خلاف آن، نقل نشده است، و خلاصه اینکه، در این باره سخن «ریاض» درست است، و سخن امل الآمل و ناقلان از آن، ناتمام است و دلیلی ندارد، بدیهی است که هرگز مراد ما این نیست که شهید در تمام این ۱۵ ماه، مشغول نوشتن شرح لمعه بوده و مثلاً حتی یک روز هم قلم را به کناری نگذاشته است، و همین برای اثبات مدعای ما کافی است، فراموش نکنیم که صاحب امل الآمل که چنین سخنی گفته است - چنانکه در قسمت اول مقاله گذشت - فرموده است که: به هنگام دستگیر شدن، شهید مشغول نوشتن شرح لمعه بود! بنابراین پیدا است که سخنان امل در این باب قابل خدشه و ایراد است.

□ ۹ - در چاپ جدید مسکن الفرداد (تحقیق و تصحیح مؤسسه آل‌البیت)، روی جلد و در صفحه عنوان و صفحه حقوق و

مقدمه ص ۹ و در ص ۱۱۹ و ص ۱۴۲، نام شهید چنین آمده است: زین‌الدین علی بن احمد الجبمی العاملی، که قطعاً و جزماً اشتباه است و نام شهید «علی» نیست، بلکه علی نام پدر او است، بنابراین زین‌الدین بن علی صحیح است، نگارنده مواردی از خط خود شهید را دیده است که نام خود را چنین نگاشته و در اعیان‌الشیعه (ج ۷ / ۱۴۴) نیز این موضوع مفصلاً بررسی شده، و موارد متعددی از خط خود شهید نقل شده که نام و نسب خود را همان‌طور که گفته شد، یاد کرده است.

□ ۱۰ - در مقدمه کتاب مذکور (ص ۹) نیز، نورالدین لقب شهید دانسته شده، که این هم اشتباه است و «نورالدین» لقب پدر شهید ثانی است.

□ ۱۱ - همچنین در مقدمه کتاب یاد شده (ص ۶) آمده است: وقتی که شهید ثانی به شهادت رسید، فرزندش صاحب معالم، چهار ساله یا هفت ساله بود.

مسلم است که صاحب معالم در سال ۹۵۹ متولد شده (در منشور ج ۲ / ۲۰۰)، بنابراین به هنگام شهادت پدر در سال ۹۶۵، حدوداً شش ساله بود، و اگر در سال ۹۶۶، شهید به شهادت رسیده باشد، هفت ساله بوده است، بنابراین، شق اول تبرید بین چهار و هفت، قطعاً و در هر دو صورت

غلط خواهد بود.

۱۲ □ - در کتاب حقوق کینفری اسلام، قصاص (چاپ و نشر مرکز نشر دانشگاهی ص ۱۱) آمده است که:

کتاب [تمهید] القواعد الاصولية والعربية شهيد، شرح اصول ادبیات زبان عرب است.

کتاب تمهید القواعد شامل صد قاعده اصولی و صد قاعده ادبی و نحوی است و منحصر به قواعد ادبی نیست، مراد از قواعد اصولیه در نام کتاب، همان قواعد علم اصول اصطلاحی است، ولی نویسنده محترم کتاب «قصاص» تصور نموده که منظور، قواعد اصول عربیت و ادبیات زبان است و از این رو دچار اشتباه شده است.

۱۳ □ - در همان کتاب (ص ۸)، شیخ علی نبسی، استاد و پدر زن اولی شهید، مکرراً شوهر عمه شهید معرفی شده که اشتباه است، زیرا شیخ علی نبسی شوهر خاله شهید بوده نه شوهر عمه اش.

۱۴ □ - در اعیان الشیعة (ج ۷ / ۱۴۴، ۱۵۵) و به پیروی از آن در کتاب قصاصن (ص ۸) آمده است:

پس از فوت پدر صاحب مدارک، مادر او به عقد شهید ثانی درآمد، که ثمره این ازدواج شیخ حسن صاحب معالم بود، بدین ترتیب، صاحب مدارک و صاحب معالم برادر مادری هستند.

در کتاب قصاصن (ص ۶) نیز، صاحب مدارک، ربیب شهید، یعنی پسر همسر او، معرفی شده است، که البته هر دو مورد اشتباه، و مشروح امر این چنین است که:

سید علی پدر صاحب مدارک، با دختر شهید ثانی که از همسر اولی او یعنی دختر شیخ علی نبسی بود، ازدواج کرد و سید محمد صاحب مدارک، از این ازدواج به دنیا آمد، بنابراین شهید ثانی جد مادری صاحب مدارک است، پس از شهادت شهید ثانی، سید علی - داماد شهید و پدر صاحب مدارک - مادر صاحب معالم یعنی همسر دیگر شهید را، به همسری گرفت، بنابراین این صاحب معالم هم پسر پدر صاحب مدارک و هم دایی صاحب مدارک است، از این ازدواج دوم، سید نورالدین، جد علامه سید حسن صدر، به دنیا آمد، بنابراین، سید نورالدین هم برادر صاحب معالم است - از ناحیه مادر - و هم برادر صاحب مدارک - از ناحیه پدر^{۱۰}.

در اعلام الشیعه (قرن دهم: إحياء الدائر، ص ۱۶۴) آمده است که سید علی پدر صاحب مدارک پس از شهادت شهید با مادر صاحب معالم ازدواج کرد و از آن، صاحب مدارک به دنیا آمد. که البته این

۱۰ - رک: تکملة لعل الأمل ص ۱۳۸، ۲۸۹ - ۳۰۳، ۲۹۰.

هم ناتمام است و صحیح همان است که گذشت. علاوه، صاحب مدارک چند سال پیش از صاحب معالم متولد شده و از او بزرگتر است.

۱۵۵ - در برخی کتابها از جمله روضات (ج ۳ / ۳۷۸) و مقدمه شرح لمعه (چاپ ده جلدی ج ۱ / ۱۸۳) به نقل از روضات آمده است:

ويقال انه صنف ذلك الكتاب [يعني مسالك] ايضاً في مدة تسعة اشهر.

ظاهر و بلکه صریح این سخن آن است که شهید، مسالک را در مدت نه ماه نگاشته و از هنگام شروع در نگارش تا پایان آن، نه ماه طول کشیده است، ولی شواهد و قرائن خلاف این امر را نشان می دهد.

قبل از آنکه به بیان ادله مدعای خود بپردازیم ذکر این نکته ضروری است که این موضوع را نه شهید گفته و نه فرزندش و نه شاگردانش، و حتی صاحب درمنثور - که علاوه بر مطالب ابن عودی، موضوعات دیگری هم در ترجمه شهید آورده است - و امل الآمل و ریاض، چنین سخنی نگفته اند، تنها روضات (ج ۳ / ۳۷۸) نقل کرده، آن هم با تعبیر «يقال انه صنف ذلك الكتاب في تسعة اشهر» که پیداست سندی ندارد بلکه متکی است به «گفته می شود»، نیز ذریعه (ج ۲۰ / ۳۷۸)

می گوید: «وَحِكِي عَنِ الشَّيْخِ عَلِيِّ النَّبَاطِيِّ عَنِ وَالِدِهِ أَنَّ مَدَّةَ تَصْنِيفِهِ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ» می بینید که در اینجا هم مرحوم شیخ آقا بزرگ به «حکایت شده است»، اکتفاء کرده و مستند آن را ذکر نفرموده است، و چون این امر، موضوع مهمی است اگر واقعیتی داشت خوب بود شهید در رساله شرح حال خودش یا در اجازاتش یا جانی از مسالک، یا فرزندش یا ابن عودی و دیگر شاگردان شهید متذکر آن می شدند، بنابر این، اگر هیچ دلیلی هم بر بطلان این مطلب نداشتیم باز نمی توانستیم به «يقال» روضات، و «حکایت» ذریعه استنباد کنیم، مضافاً بر اینکه بر ابطال آن - حداقل در مقام اثبات - دلیل داریم، و آن اینکه:

مسالک حداقل در طول سیزده سال (۹۵۱-۹۶۴) در دست تألیف بوده است، زیرا مسالک در هفت جزء تدوین شده و از فهرست ها و ذریعه برمی آید که جزء اول آن را در ماه رمضان ۹۵۱، و جزء دوم آن را در اول ربیع الاول ۹۵۶، و جزء سوم را در ربیع الاول سال ۹۶۳ و جزء چهارم را در اواخر جمادی الثانیة ۹۶۳، و کتاب النذر را در ماه رمضان ۹۶۳ و جزء ششم را در ذیحجه ۹۶۳ و جزء آخر را در ربیع الثانی ۹۶۴، به پایان رسانده است^{۱۱} بشابر این،

۱۱ - فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه



این سخن که چه بسا شهید مدتی پس از آغاز کار تألیف را متوقف ساخته و مثلاً در سال ۹۶۱ به ادامه آن پرداخته باشد،^{۱۲} مخدوش است، علاوه، از اجازه شهید به شیخ تاج الدین^{۱۳} استفاده می شود که در ربیع الثانی ۹۶۴ هم کاملاً تکمیل نبوده است. و اینکه محمود بن محمد لاهیجانی — که شاگرد شهید و در اواخر عمر شهید همراهش بوده — می گوید:

او جزء سوم مسالک و پس از آن را هنگامی که از ترس دشمنان خود پنهان شده بود نوشته است.^{۱۴}

دلیل این نمی شود که جزء سوم مسالک و بعد از آن، مثلاً در سال آخر عمر شهید و نزدیک به زمان شهادتش نوشته شده باشد، زیرا شهید تنها در سال آخر عمر از ترس دشمنان پنهان نشده بوده، بلکه پیش از آن، از جمله در سال ۹۵۵ بطور مخفیانه می زیسته است چنانکه ابن عودی می گوید: وکان فی منزلی بجزین متخفياً من الاعداء حادی عشر شهر صفر ۹۵۶.^{۱۵}

بنابر این، مسالک حداقل از سال ۹۵۱ تا ۹۶۴ یعنی در طول سیزده سال در دست تألیف بوده است. البته پرواضح است که هرگز مراد این نیست که شهید در این سیزده سال یکسر مشغول نگارش مسالک بوده و هیچ کتاب دیگری ننوشته، بلکه مقصود نفی این گفته است که: «این

کتاب در مدت نه ماه نوشته شده است» و اگر گفته شود:

مراد از این عبارت آن است که مجموع زمانهای پراکنده که صرف این تألیف شده، ۹ ماه بوده، گرچه در مدت بیش از ۱۳ سال در دست تألیف بوده.

پاسخش آن است که اولاً این تأویل خلاف ظاهر عبارت است، و ثانیاً، دلیلی بر اثبات آن نداریم.

خلاصه کلام آنکه: کسانی که مدعی هستند مسالک در مدت نه ماه تألیف شده — بر فرض که واقعاً و در مرحله ثبوت چنین باشد — چه دلیلی بر اثبات آن دارند و چگونه می توانند به صورت جزم چنین سخنی بر زبان آورند؟!

ادامه مقاله با معرفی منابع و مآخذ آن، ان شاء الله در شماره های بعدی خواهد آمد.



قیضیه، قم، ج ۱ / ۲۴۲، فهرست کتابهای اهدائی مشکوٰۃ ج ۵ / ۲۰۳۵ - ۲۰۳۶، ۲۰۳۸ - ۱۲۰۳۸، ذریعه ج ۲۰ / ۳۷۸، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، ص ۳۶۱، آشنایی با چند نسخه خطی دفتر اول، ص ۱۳۳۸، فهرست نسخه های کتابخانه آستان قدس رضوی ج ۲ / ۱۱۱۴، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله نجفی، ج ۵ و ج ۴ / ۱۱۱۲، فهرست کتابخانه مدرسه حجتیه قم، ص ۸۴.

۱۲ - نور علم، شماره ۲۳ / ۱۱۹.

۱۳ - بحان ج ۱۰۸ / ۱۴۳.

۱۴ - نور علم، شماره ۲۳ / ۱۱۹، ۷۹ / ۱۹.

۱۵ - در منثور، ج ۲ / ۱۱۸۳، ۱۸۲ / ۳ سفر آخر.